



# رسانه‌های انقلابی یا انقلاب‌های رسانه‌ای

جایگاه و نقش رسانه‌ها در تحولات دنیای امروز و فردا

## اشاره

دکتر محمد مرندی که در حال حاضر رئیس پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات است، از جمله کارشناسان مسائل سیاسی است که پای ثابت مناظره‌های تلویزیونی در شبکه‌های بین‌المللی چون: CNN، BBC و الجزیره به‌شمار می‌آید. محمد مرندی که متولد ویرجینیای آمریکا و دانش‌آموخته دکتری ادبیات انگلیسی در دانشگاه بیرمنگهام انگلستان است، با بهره‌گیری از امتیاز تسلط خود به زبان انگلیسی و ارائه پاسخ‌های دقیق و هوشمندانه به طرف مقابل در مناظره، جایگاهی درخور توجه در برگزاری مناظره‌های تلویزیونی با موضوع «ایران» در شبکه‌های بین‌المللی یافته است. حمایت شجاعانه مرندی از نظام جمهوری اسلامی، به‌ویژه در رخداد‌های پس از برگزاری انتخابات دهم ریاست جمهوری منجر به آن شد تا برخی از شبکه‌های بین‌المللی به مرندی لقب «سخنگوی جمهوری اسلامی ایران» دهند.

گفت‌وگوی پیش‌رو حاصل گپ و گفت یکی از ویژه‌نامه‌های مطبوعاتی با دکتر محمد مرندی درباره جایگاه و نقش رسانه‌ها در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی و در کوتاه سخن، دنیای امروز و فرداست.

● **اهالی اندیشه، در باب ماهیت رسانه و موجودیت آن نظرهای گوناگونی دارند؛ از کسانی که با استناد به تسلط غرب بر عالم رسانه، اساساً با نگرشی منفی به آن می‌نگرند، تا کسانی که قائل به بی‌طرفی ذاتی رسانه هستند و دیدی مثبت نسبت به استفاده ابزاری از آن دارند.** با وجود این، جنابعالی رویه‌ای را که در عالم واقع در عرصه رسانه جاری است به کدام یک از این طیف نظرات نزدیک‌تر می‌بینید؟

■ علی‌القاعده، در دنیای امروزین، به خصوص در نظام‌های سرمایه‌داری، درک جایگاه رسانه مشکل‌تر خواهد بود؛ چرا که، در جوامع متمرکز، غایت و نهایت جایگاهی که می‌توان برای رسانه‌ای متصور شد، جایگاه سخنگویی دولت و اعلام مواضع نظام است. بنابراین چه در بعد اقتصادی و چه ابعاد دیگر، ناتوان از به‌دست‌آوردن قدرتی تأثیرگذار در جامعه خود هستند. در نظام‌های غربی، اما رسانه‌ها به سهم خود قدرت‌هایی اقتصادی به‌شمار می‌روند و به تبع آن صاحب نفوذ و قدرت تصمیم‌گیری در سطوح بالایی حکومت هستند. چه بسا صاحبان این رسانه‌ها در جایگاه بالادستی حکومت قرار گیرند و تعیین‌کننده نوع حاکمیت هم باشند.

یک زمانی ما برای ادامه تحصیل رفته بودیم انگلیس، یکی از فعالان سیاسی شهر به شهر می‌گشت و به اصطلاح دانشجویان مقیم آنجا را به سوی دروازه‌های آزادی هدایت می‌کرد. ادعایی کرد این بنده خدا همان جا مبنی بر اینکه رسانه‌های انگلیس، نماینده تام افکار عمومی کشورشان هستند، که این ادعا تعجب همه ما را برانگیخت؛ چرا که در مورد انگلیس به طور مشخص رسانه‌ها در اختیار افراد و دسته‌های معدودی است؛ خب، البته در حرفه‌ای‌گری این رسانه‌ها و قابلیت‌هایشان در تهیه برنامه‌های جذاب و عامه‌پسند حرفی نیست، منتها اینکه نماینده

افکار عامه مردم باشند، ادعایی است که در بین خود آنها هم به طور جدی مطرح نیست؛ در صورتی که ما می‌بینیم این ادعا از طرف کسانی مطرح می‌شود که زمانی خودشان را از همه انقلابی‌تر می‌دانستند و بعدها با یک سفر به ممالک خارجی و احیاناً سوارشدن به مترو (!) به یکباره شیفته محیط جوامع غربی شدند و اسلام مطلوبشان را در آنجا یافتند!

● **برخی اصحاب رأی در عالم سیاست، در توصیف نقش و جایگاه رسانه‌ها در نهضت‌های مردمی اخیر و حتی در مورد نهضت اسلامی ایران، این نهضت‌ها را مدیون رسانه‌ها دانسته و رسانه‌های مدرن را عامل اصلی و تعیین‌کننده به حساب می‌آورند. این ادعا تا چه حد منطقی به نظر می‌رسد؟**

■ این هم البته بحثی عوامانه است و اینکه بخواهیم القابی مثل انقلاب توییتری یا انقلاب فیس‌بوکی را به این قیام‌های مردمی منتسب کنیم، حرف باطلی است.

مسئلاً کسی منکر تأثیر رسانه‌ها در این وقایع نیست، ولی باید توجه داشته باشیم که به طور مثال در جریان انقلاب اسلامی ایران نقطه اتکای قدرت رهبری نهضت - امام خمینی(ره) - شبکه‌های گسترده‌ای از مساجد در سراسر کشور و حلقه‌های انسانی در جنوب شهر و شهرستان‌ها بودند.

ایراد غربی‌ها در این است که همه چیز را وارونه می‌بینند. به واسطه اینکه حالا اینهایی که در این شبکه‌های اجتماعی فعال بودند، از قشر مشخصی از جامعه و متمایل به کاندیدای بخصوصی بودند - خیلی‌هایشان حتی مقیم کشورهای خارجی بودند - تحلیل‌های غلطی کرده و استنباط‌هایشان از این جمع محدود را به عامه مردم ایران تعمیم می‌دهند.

من خودم حتی می‌شناختم کسانی را که وابسته به ارگان مجاهدین یا جاهای دیگر بوده و به ازای دریافت دستمزد حتی تا ۵۰۰-۴۰۰ اکانت را به تنهایی اداره می‌کردند. این

یعنی، هر کدام به تنهایی ۵۰۰ نفر بودند! با خود همین کشورهای عربی مثل مصر و تونس که با توجه به فقر عمده‌ای که مثلاً در مصر برقرار هست بخش عمده‌ای اصلاً محروم بوده‌اند از دسترسی به هرگونه شبکه اجتماعی تحت وب، و این مساجد و سندیکا‌های کارگری بودند که پایگاه‌های اصلی ارتباطات انقلابیون به‌شمار می‌رفتند.

در همین ایران خودمان، رویه‌ای دارند این رسانه‌های معروف غربی که با طیف بخصوصی از مردم حشر و نشر دارند، در اجتماعات اینها شرکت می‌کنند، با اینها رابطه‌های دوستانه برقرار می‌کنند و طبیعتاً اطلاعات خود را به این افراد محدود کرده و برداشت‌های خود از این قشر را به عامه مردم تعمیم می‌دهند. خب، البته که همین قشر هم بخشی از مردم ما هستند، ولی واقعاً بخشی از مردم هستند! و نه همه آن، بلکه بخش کوچکی هم هستند. طیف گسترده‌ای از مردم هستند که به واسطه دسترسی نداشتن یا حتی در بسیاری موارد به خاطر اینکه ایرادات فرهنگی و اخلاقی را بر این شبکه‌ها وارد می‌دانند، در اینها حضور پیدا نمی‌کنند.

● **پس اساساً جنابعالی اصطلاح «انقلاب رسانه‌ای» را مطلقاً رد می‌کنید و در نهایت قائل به مفهوم «رسانه انقلابی» آن هم با نقشی حداقلی هستید؟**

■ نه، نه! اینکه نقش حداقلی داشته باشد، به طور مثال نقشی که الجزیره در وقایع مهم منطقه‌ای در چند سال اخیر ایفا کرده و همچنین حجم فعالیت گسترده‌ای که رادیو BBC در جریان انقلاب اسلامی ایران و برای پوشش آن رویداد عظیم داشت را نمی‌توان نادیده گرفت؛ منتها بحث بر سر این مطلب است که هر کسی که مخاطب این رسانه‌هاست، الزاماً همه حرف‌ها و تحلیل‌های آنها را قبول ندارد.

سال‌ها پیش از این و در زمانی که امام(ره) هنوز در قید حیات بودند، فرصتی دست داد و



رسانه‌های غربی شخص، نهاد یا حکومتی را مورد هجوم تبلیغات منفی قرار می‌دهند ولی در عین حال محبوبیت و مقبولیت او در بین افکار عمومی حتی فراتر از شایستگی‌ها و لیاقت واقعی او بالا می‌رود.

● **رویکرد رسانه‌های غربی در قبال تعهدات اخلاقی مانند صداقت و بی‌طرفی چگونه بوده است؟ آیا در تعامل با این رسانه‌ها می‌شود «من قال» را ندیده و به «ما قال» اکتفا کرد؟**

■ رسانه‌های غربی و گردانندگان اصلی آنها، پیش‌فرض‌های یکسانی دارند که در متدها و اشکال گوناگون بر طبق آن پیش‌فرض‌ها عمل می‌کنند؛ باورهایی از این قبیل که تمدن منحصر به آنها می‌شود و بنابراین حق رهبری جهان را هم برای خود قائلند.

به‌طور مثال، رسانه‌ای مثل **BBC** که فراتر از برخی رسانه‌های غربی مشابه - که لااقل یک استقلال ظاهری دارند - اساساً متعلق به حاکمیت انگلیس بوده است و طبیعتاً جای هیچ‌شکی در عدم حسن نیت این شبکه با توجه به ماهیت استعماری حاکمیت انگلیس نخواهد بود.

اگر عملکرد همین شبکه **BBC** را در نظر بگیرید، متوجه خواهید شد که رویکرد فعالیت‌های شبکه‌های مختلف آن از هم متفاوتند؛ به طوری که شبکه‌هایی از **BBC**

ما مشرف به خانه خدا شدیم. آنجا مرد مسن نیجریه‌ای در اتوبوس پس از اطلاع از ملیت ما و اینکه ما ایرانی هستیم بسیار خوشحال شد و محبت زیادی به ما ابراز داشت. من تعجب کردم و از او پرسیدم با اینکه منابع اطلاعاتی شما محدود به معدود رسانه‌های موجود غربی است، عواطف و احساسات شما نسبت به ایران و شخص امام خمینی (ره) از کجا نشئت می‌گیرد؟ جواب او این بود که بله، من رسانه‌های آنها را می‌بینم، منتها، از لابه‌لای آنها تحلیل خودم را بیرون می‌آورم! پس این نیست که اگر هر کسی مخاطب رسانه بخصوصی بود، الزاماً او را تابع همان رسانه به حساب آوریم.

ممکن است که ما از اوضاع فعلی و سابق بسیاری از مناطق جهان و تعاملات آنها با غرب بی‌خبر باشیم، لیکن مردمی که در مناطق مختلف جهان و یک جایی مثل نیجریه زندگی می‌کنند، از آمار و سوابق مربوط به استعمارگری و استعمارگری غربی‌ها در جامعه خودشان آگاه هستند و اطلاع کافی از سیاست‌های آنها در قبال جامعه‌شان دارند.

بنابراین، مردم ساکن در جوامع مختلف از یک منشأ یکسان و با یک تحلیل مخصوص به خود که مبتنی بر شک و تردید در قبال حرف‌های آن رسانه‌هاست به آنها می‌نگرند. از همین رو، گاهی شاهد آن هستیم که

**تردیدی نیست که تمدن غرب رو به افول است و با وقوع رویدادهای اخیر و تغییرات حاصل‌شده در خاورمیانه، تمرکز غربی‌ها نسبت به ایران کاهش پیدا می‌کند و این در همه ابعاد از جمله بعد رسانه نمود پیدا خواهد کرد.**

که مخاطب جهانی دارند، به مراتب دریده‌تر عمل می‌کنند تا شبکه فارسی‌زبان **BBC** که مخاطب آن طبیعتاً ایرانی است و در آن محتاطانه‌تر و عاقلانه‌تر شیطنت می‌کنند؛ چرا که علی‌القاعده مخاطب غیرایرانی اطلاعات کمتری نسبت به واقعیات موجود در جامعه ایران دارد و آسان‌تر می‌توان به او اطلاعات غلط داد، در حالی که نسبت به مخاطب ایرانی اینگونه نیست و باید ظرافت بیشتری به کار برد تا القائات خود را به او قبولاند.

شبکه‌های داخلی **BBC** که دیگر پروپاگاندای تمام‌عیار است! یکی از دفعاتی که از طرف **BBC** به بنده پیشنهاد حضور در یکی از برنامه‌هایشان را دادند، میزگردی بود با حضور دو مخالف و دو موافق که شرکت بنده در این بحث به صورت تلفنی بود. دو شخص مخالف با تهدید، فحاشی و هتاکی به نظام و مردم ما شروع کردند و بعد از آن نوبت به هم‌تیمی بنده در آن بحث که از طرف شبکه دعوت شده بود، رسید. مضمون حرف‌های این شخص هم این بود که اینها - یعنی ملت ایران - بدبخت بیچاره‌ها، ۵۰۰ سال عقبند و حتی در مملکتشان کامپیوتر ندارند و ... از این دست مهملات! پیش‌فرض‌هایشان یکی بود، منتها، یکی ما را غیرمتمدن خطرناک می‌دانست و دیگری غیرمتمدن بی‌خطر.

اواخر برنامه بود که مجری برنامه سؤالی طرح کرد و از بنده پرسید تا من به آن جواب داده و از پرداختن به مباحث مطرح‌شده بپرهیزم. من هم به آنها گفتم که ابتدا اجازه بدهید به مسائلی که تا به اینجای برنامه مطرح شده اشاره‌ای داشته باشم تا بعد از آن پاسخ سؤال شما را هم بدهم. به یک دقیقه نکشید که به بهانه‌ای صدای بنده را قطع کردند و مانع ادامه برنامه شدند!

همین الان، فیلم این برنامه در اختیار بنده هست که من حتی در کلاس‌های سطح PhD آن را به دانشجویانم و باهدف آگاهی‌یافتن آنها از این مسائل نشان می‌دهم. البته موردی که به آن اشاره کردم، مختص شبکه‌های **BBC** انگلیسی‌زبان با مخاطبان غیر ایرانی است و چنین کاری را قطعاً در **BBC** فارسی انجام نمی‌دهند؛ و این عین نفاق و عین هزارچهرگی است!

**آینده این رسانه‌ها را چگونه می‌بینید؟ به عبارتی در کوتاه‌مدت و بلندمدت، تأثیر جهت‌گیری‌ها و عملکرد مغرضانه این رسانه‌ها بر افکار عمومی و مخاطبان آنها چه خواهد بود؟**

▀ تردیدی نیست که تمدن غرب رو به افول است و با وقوع رویدادهای اخیر و تغییرات حاصل‌شده در خاورمیانه، تمرکز غربی‌ها نسبت به ایران کاهش پیدا می‌کند و این

در همه ابعاد از جمله بعد رسانه نمود پیدا خواهد کرد.

البته، هنوز هم اینها قدرت برتر در این عرصه هستند، ولی تأثیرشان بر اذهان عمومی به واسطه این رفتار دوگانه‌ای که از خود نشان داده‌اند، رو به کاهش است. در بحرین نزدیک ۴۰ نفر تا این لحظه کشته شده‌اند که اگر نسبت بگیریم، می‌شود بالای ۲۰ هزار کشته در آمریکا. خب، مردم می‌فهمند این را. هم عقلای قوم و هم عامه مردم اینها را می‌فهمند. در واقع، عاقل کسی است که تطبیق می‌دهد میان **BBC** فارسی و **BBC** و حساب کار دستش می‌آید.

خب، حالا البته، این وسط یک عده‌ای به دلایلی مثل شیفتگی محض نسبت به غرب، خودشان را بسته‌اند به اینها و قبله‌شان شده است این رسانه‌ها، که اینها، تحت هر شرایطی تابع و پیرو القائات این رسانه‌ها خواهند ماند و کاریشان هم نمی‌شود کرد.

**گفت‌وگوی پیش رو برگرفته از منبع زیر است:**

- آیه (ویژه‌نامه قرآنی و فرهنگی همشهری)، اردیبهشت ۱۳۹۰: ۸۷-۸۶